

بررسی زبان‌شناختی گویش جهرمی: توصیف نظام واجی و برخی فرآیندهای واجی

ثمینه رازقی^۱

چکیده

گویش جهرمی از جمله گویش‌های رایج در استان فارس و از زبان‌ها و گویش‌های جنوب غربی ایران است. هدف از پژوهش حاضر، مطالعه و تحلیل واج‌شناسی و توصیف نظام واج‌های این گویش است. ابتدا داده‌ها، از گویشوران محلی، بومی و ساکن جهرم گردآوری و سپس داده‌های ضبط شده به صورت مکتوب درآورده شد تا تلفظ دقیق هر واژه بررسی شود. پس از تحلیل واج‌های موجود در گویش و مقایسه آن با زبان فارسی معیار، این نتیجه به دست آمد که با وجود تفاوت‌هایی چند به خصوص در مورد واژگان، نظام آوایی آن شباهت فراوانی به فارسی معیار دارد.

واژه‌های کلیدی: گویش جهرمی، واکه، همخوان، فرآیندهای واجی، ساختمان هجا.

۱- مقدمه

بشر از دیرباز به صورت اجتماعی می‌زیسته و یکی از مهم‌ترین نیازهایش برقراری ارتباط و ایجاد تفاهم بوده است. جهت برقراری ارتباط از وسایل و ابزار مختلفی استفاده می‌شد که در این میان زبان یکی از مهم‌ترین این ابزار بوده است. در همه اجتماعات بشری، زبان که به تعریف سوسور (۱۹۱۶) نهادی اجتماعی محسوب می‌شود، وجود دارد و وظیفه و نقش آن یعنی برقراری ارتباط و بیان افکار و احساسات در همه جوامع یکسان است. اما شکل آن بنا بر نیازهای اجتماعات بشری متفاوت است به طوری که هر شکلی از زبان فقط در میان افراد جامعه‌ای معین کاربرد دارد.

هر زبان ممکن است از چندین گونه تشکیل شده باشد که به آنها گویش می‌گویند. گویش‌ها مربوط به یک منطقه جغرافیایی و یا طبقه ویژه‌ای از جامعه‌اند. هرگاه مجموعه تلفظ‌های دسته‌های سخن‌گویان به گونه‌ای باشد که درک متقابل با دشواری صورت پذیرد صحبت از گویش به میان می‌آید. هر گویش خود دارای چند لهجه است. لهجه‌ها معمولاً با مناطق جغرافیایی ویژه ارتباط دارند.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ، دانشگاه الزهرا

هدف از انجام این پژوهش بررسی گویش جهرمی جهت استخراج واج‌ها و نیز بررسی برخی فرآیندهای واجی موجود است.

شهرستان جهرم یکی از شهرستان‌های استان فارس و مرکز آن شهر جهرم است. این شهرستان در طول جغرافیایی $53^{\circ}33'$ و عرض جغرافیایی $28^{\circ}30'$ واقع گردیده است. جهرم در فاصله ۱۶۵ کیلومتری جنوب شرقی شیراز واقع شده است. از شمال و شمال شرقی به شهرهای شیراز و فسا، از شرق به شهرستان زرین دشت، از جنوب به لارستان و قیر و کارزین و از غرب به فیروز آباد محدود می‌شود. جمعیت شهرستان طبق آخرین سرشماری (۱۳۸۵) برابر با ۲۰۲۴۴۵ نفر بوده است. مردم منطقه به زبان فارسی با گویش‌های محلی سخن می‌گویند.

سابقه تاریخی جهرم در میان کتبی که از تاریخ پیش از اسلام بر جای مانده کتاب کارنامه اردشیر بابکان است. فردوسی نیز از آن در عصر ساسانیان یاد کرده است (ز جهرم بیامد به شهر ستخر/ که آزادگان را بدان بود فخر). این شهر از شهرهای بسیار قدیم ایران است که نام قبلی آن «گهرم» بوده است و بنای آن را به همادخت بهمن فرزند اسفندیار نسبت داده‌اند. گهرم یا جهرم به معنای جای گرم است.

گویش جهرمی از فارسی باستان به فارسی میانه یا پهلوی تبدیل شده است. از قرن ۹ به فارسی دری تبدیل شده و با ورود واژه‌های عربی به تدریج خلوص خود را از دست داده است. گویش کنونی به شهرستان‌های همجوار از جمله فسا، فیروزآباد، داراب و ... سرایت نموده و گویش‌های منطقه از گویش جهرمی تاثیر پذیرفتند.

بررسی ساختمان و گردآوری گویش‌ها و گونه‌های زبانی بسیار حایز اهمیت است زیرا بر اثر نفوذ روز افزون و تاثیر زبان فارسی معیار و همچنین رسانه‌های گروهی در معرض خطر و گاهی نابودی قرار دارد. در خصوص گویش جهرمی از دیدگاه زبان‌شناختی کاری انجام پذیرفته است و کارهای محدود انجام شده و کتاب‌های موجود نیز بیشتر در رابطه با آداب و رسوم، فرهنگ و نوشته‌هایی شامل ضرب‌المثل‌ها، کلمات و اشعار محلی‌اند. از جمله کارهای انجام شده را می‌توان به کتاب جهرم نوشته حقایق (۱۳۷۵) اشاره کرد. این کتاب یک جلدی که خود شامل سه کتاب است در بر گیرنده اشعار کلاسیک و فولکلور، رویدادهای مهم تاریخی، معرفی چهره‌های تاریخی جهرم و اشعاری به گویش جهرمی است. کتاب دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد کتاب شهرستان جهرم از طوفان (۱۳۳۶) است که شامل اطلاعات تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فولکلور جهرم است. فرهنگ عامه و گویش جهرم نیز به همت باقری (۱۳۷۷) گردآوری شده است. از پژوهش‌های موجود می‌توان به پژوهش زارع و رنجبر (۱۳۹۰) اشاره کرد که به بررسی فرآیند همگونی در این گویش پرداخته‌اند.

۲- اهمیت، اهداف و روش تحقیق

از آنجایی که رسانه‌های همگانی اثر شگرفی بر گونه‌های اصیل محلی، فولکلورها و ادبیات عامه دارند، نفوذ این گونه وسایل ارتباطی و همچنین گسترش زبان فارسی معیار در امور روزمره زندگی بقای گویش‌های محلی را به خطر می‌اندازد. وظیفه زبان‌شناسان بازسازی، ثبت و ضبط این گونه‌های زبانی است.

هدف از این تحقیق بررسی توصیف نظام واجی فارسی جهرمی است. با توجه به این که تحقیق جامعی در این خصوص انجام نشده است و چند کتاب موجود نیز بیشتر در خصوص ادبیات و اشعار محلی است نگارنده بر آن شده است تا تلاشی هر چند اندک در خصوص بررسی این گویش انجام دهد. متناسب با اهداف تحقیق، نویسنده بر آن شد تا با طرح سوال‌های زیر روند تحقیق را پیگیری کند.

• گویش جهرمی دارای چه واژه‌ها و همخوان‌هایی است؟

• چه فرآیندهای واجی در آن مشاهده می‌شود؟

• ساختمان هجایی فارسی جهرمی بر چه اساس است؟

تحقیق حاضر به روش‌های میدانی و توصیفی انجام شده است. از آنجا که انتخاب گویشور یکی از مهم‌ترین مراحل انجام تحقیق در خصوص گویش‌ها است، سعی بر آن شد تا گویشوران که همگی بومی و ساکن منطقه‌اند از گروه‌های مختلف سنی و شغلی انتخاب شوند که کمتر تحت تاثیر زبان رسمی قرار گرفته‌اند. در یک مرحله از کار با این گویشوران در مورد موضوع‌های مختلف صحبت شد. در مرحله‌ای دیگر از گویشوران خواسته شد تا فهرستی از واژگان استخراج شده را تلفظ کنند. روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق عبارتند از:

- روش مصاحبه: عام‌ترین روش در گویش‌شناسی روش مصاحبه و پرسیدن سوالات از پیش تعیین شده است. پس از انجام هر مصاحبه تمامی جملات موجود نوشته و آوانویسی شدند.

- ضبط گفتگوها: در این روش مکالمات موجود ثبت شدند تا محقق در وقت دیگری به روی کاغذ آورد و به آوانگاری آنها بپردازد.

- استفاده از کتاب‌های موجود در خصوص نحوه تلفظ واژگان در گویش: در این مرحله، از واژگان محلی موجود در فرهنگ فارسی جهرمی (فرزین نیا، ۱۳۹۰) و نیز فهرستی از واژگان جمع‌آوری شده از پایان‌نامه موجود (باقری، ۱۳۷۷) فهرستی تهیه شد. سپس از گویشوران خواسته شد تا هر واژه را دو بار تکرار کنند. در این مرحله نیز صدای گویشوران ضبط شد. در صورت یکسان بودن واژه‌های موجود در فهرست با واژه‌های موجود در گفتگوهای ضبط شده، تلفظ هر دو بررسی شد تا از صحت تلفظ واژه‌ها اطمینان بیشتری حاصل شود.

۳- تحلیل داده‌ها

پس از گردآوری داده‌ها، تمام واج‌های موجود در گویش با استناد به طبقه‌بندی واج‌های زبان فارسی (یارمحمدی، ۱۳۶۴؛ نجفی، ۱۳۷۶؛ حق‌شناس، ۱۳۷۸ و ثمره، ۱۳۷۸) استخراج شدند. پس از آن سعی شد

ساختمان هجا و پدیده‌های واجی موجود نیز بررسی شوند. در این مرحله نیز واژه‌های یک، دو و سه هجایی و نیز تعداد اندکی واژگان بیشتر از سه هجا در گروه‌های مختلف با مقایسه ساختمان هجایی پیشنهادی در زبان فارسی (مشکوه الدینی، ۱۳۷۴؛ حق‌شناس، ۱۳۷۸) بررسی شدند.

۴- نتایج تحلیل داده‌ها

پس از بررسی داده‌ها و تحلیل آنها، ابتدا با کمک جفت‌های کمینه واج‌ها استخراج شدند. پس از آن با بررسی تمام داده‌های ضبط شده برخی از فرآیندهای واجی همچنین ساختمان هجا نیز بررسی شد. بررسی واج‌ها بر اساس جایگاه آغازین، میانی و پایانی است. در صورتی که واج مورد نظر در یکی از این سه جایگاه وجود نداشته باشد از نقطه‌چین استفاده شده است.

۴-۱- واج‌ها

۴-۱-۱- همخوان‌ها

در تولید همخوان‌ها راه عبور هوا به صورت کلی یا جزئی مسدود می‌شود. همخوان‌ها به دو صورت واکدار و بیواک‌اند، در نتیجه مشخصه واکداری در همخوان‌ها تمایز معنایی ایجاد می‌کند. پس همخوان‌ها اصواتی‌اند که به هنگام تولید آنها هوا پس از عبور از حنجره با لرزش تارهای صوتی یا بدون لرزش آنها در طول مجرای حلق و دهان با مانع برخورد می‌کند (یارمحمدی، ۱۳۶۴: ۱۲۱).

۴-۱-۱-۱- همخوان‌های انسدادی

در تولید این نوع همخوان‌ها در هنگام فراگویی مسیر عبور هوا برای مدت کوتاه به صورت کامل مسدود (با مکانیسم بسته تولید می‌شوند) و سپس گیرش به طور ناگهانی رها می‌شود (ثمره، ۱۳۷۸: ۳۷).

/p/ : دو لبی، انسدادی، بی‌واک

- پرشمه [pɛrɛʃmɛ] (ریختن قطرات آب)
- پی پخ [pipɒx] (نوعی غذای محلی)
- قپ [Gɒp] (گونه)

جفت‌های کمینه:

/p/ ~ /t/	/pei/ (شالوده، بنیان)	/tei/ (تکه کهنه مخصوص شستشو)
-----------	-----------------------	------------------------------

/b/ : دو لبی، انسدادی، واکدار

- بلک [bælək] (نان کوچک)
- سابات [sɒbɒt] (دالان سرپوشیده)
- صب [so:b] (صبح)

جفت‌های کمینه:

/n/ ~ /k/	/næ:re/ (نره، فریاد)	/kæ:re/ (بچه گوسفند)
-----------	----------------------	----------------------

/t/: دندانی، انسدادی، بی واک

- توه [tove] (تاوه)
- میتیل [mitil] (وسیله سوراخ کردن)
- کت [kot] (اتاق کوچک، لانه)

جفت‌های کمینه:

/t/ ~ /x/	/tow/ (تب)	/xow/ (خواب)
-----------	------------	--------------

/d/: دندانی، انسدادی، واگذار

- دلو باز [delow bDz] (حقه باز)
- پروند [pærvænd] (طنابی که از شاخه نخل می‌بافند)
- سپ [sop] (ظرفی که با برگ خرما می‌بافند)

جفت‌های کمینه:

/d/ ~ /v/	/dDrune/ (طنابی از برگ نخل)	/vDrune/ (برعکس)
-----------	-----------------------------	------------------

/k/: نرمکامی، انسدادی، بی واک

- کلک [kælæk] (پسر)
- سکل [sekel] (موتور سکلت)
- ترک [tærok] (درخت نخل)

جفت‌های کمینه:

/k/ ~ /g/	/kot/ (لانه)	/got/ (بزرگ)
-----------	--------------	--------------

/g/: نرمکامی، انسدادی، واگذار

- گت [got] (بزرگ)
- لگاره [legDre] (از اجزای خوشه خرما)
- چگ [ʃeg] (دل)

جفت‌های کمینه:

/g/ ~ /k/	/got/ (بزرگ)	/kot/ (لانه)
-----------	--------------	--------------

/G/: ملازی، انسدادی، واکنار

- قاره [GDre] (صدای بلند، فریاد)
- چقیدن [ʃæGidæn] (قاییدن)
- کله ملاق [kælle mællæG] (کله معلق)

جفت‌های کمینه:

/G/ ~ /b/	/GDre/ (فریاد)	/bDre/ (صدای مداوم و آزار دهنده)
-----------	----------------	----------------------------------

/ʃ/: چاکنایی، انفجاری، بیواک

- اسم اسم [ʃosom ʃosom] (وقت تلف کردن)
- -----
- -----

جفت‌های کمینه:

/ʃ/ ~ /ʃ/	/ʃow/ (آب)	/ʃow/ (شب)
-----------	------------	------------

۴-۱-۱-۲- همخوان‌های سایشی

در هنگام تولید این همخوان‌ها دو اندام به همدیگر نزدیک می‌شوند تا آنجا که مجرای گفتار را برای مدتی چنان تنگ می‌کنند که جریان هوا هنگام عبور از آن تنگنا به اندام‌ها ساییده می‌شود و ایجاد آوا می‌کند (حق‌شناس، ۱۳۷۸: ۵۳).

/s/: لثوی، سایشی، بی‌واک

- سدره [sodre] (ثیغه اطراف بام)
- پسکی [peski] (مقدار کمی)
- پس [pæs] (پشت)

جفت‌های کمینه:

/s/ ~ /G/	/sæbD/ (فردا)	/GæbD/ (لباس زنانه)
-----------	---------------	---------------------

/z/: لثوی، سایشی، واکنار

- زر خوردن [zor xordæn] (چرخیدن)
- بریزه [birize] (وسیله پخت نان)
- قمپز [Gompoz] (پر سر و صدا)

جفت‌های کمینه:

/z/ ~ /s/	/zor/ (چرخیدن)	/sor/ (لغزنده)
-----------	----------------	----------------

/ʒ/ : لثوی - کامی، سایشی، بیواک

- شور [ʃever] (بی رمق)
- بشک [boʃk] (موهای جلو پیشانی)
- تش [tæʃ] (آتش)

جفت‌های کمینه:

/ʒ/ ~ /x/	/ʃow/ (شب)	/xow/ (خواب)
-----------	------------	--------------

/ʒ/: لثوی - کامی، سایشی، واگذار

- -----
- -----
- -----

همانطور که ملاحظه می‌شود در این گونه، هیچ نمونه‌ای در هیچ‌کدام از جایگاه‌ها یافت نشد. البته باید به این نکته توجه شود که به دلیل رایج شدن وسایل ارتباط جمعی واژه‌های دارای این صدا وارد این گویش شده‌اند.

/f/: لب و دندانی، سایشی، بی‌واک

- فسیله [fæsile] (تنه درخت خرما)
- آفتو [aftow] (آفتاب)
- زف [zæf] (پنهان کردن)

جفت‌های کمینه:

/f/ ~ /G/	/fɒb/ (کف)	/Gɒb/ (قاب)
-----------	------------	-------------

/v/: لب و دندانی، سایشی، واگذار

- ولو دلو [velow delow] (حیران)
- توختک [towæxtæk] (انتهای برگ درخت نخل)
- -----

هیچ واژه‌ای با جایگاه پایانی /v/ پیدا نشد. باید توجه کرد که در فارسی معیار نیز بسامد این واج پایانی در واژه‌های قرضی مانند نحو و نحو، همچنین در واژه‌های سرو و دلو بسیار کم دیده می‌شود.

جفت‌های کمینه:

/v/ ~ /g/	/værdæne/ (وردنه)	/gærdæne/ (گردنه)
-----------	-------------------	-------------------

/x/: ملازی، سایشی، بیواک

- [xow] (خواب) خو
- [pæxtʃe] (پشه) پخچه
- [tox] (ظرف مدور از برگ نخل) تخ

جفت‌های کمینه:

/x/ ~ /r/	/pæxtʃ/ (پخش)	/pærtʃ/ (گیره متصل کننده)
-----------	---------------	---------------------------

/ɣ/: ملازی، سایشی، واگذار

- [ɣæmpaw] (مملو، پر) غمپو
- [gowɣæn] (هاون) جوغن
- [juɣ] (جوی آب) جوغ

جفت‌های کمینه:

/ʃ/ ~ /j/	/juɣ/ (جوی آب)	/juʃ/ (جوش)
-----------	----------------	-------------

/h/: چاکنایی، سایشی، بیواک

- [hekDI] (قارچ) هکال
- [ʃæ:le tiri] (تکه پاره) شهلہ تریش
- ----- این واج در انتهای واژه یا تلفظ نمی‌شود یا به صورت خفیف تبدیل می‌گردد.

جفت‌های کمینه:

/h/ ~ /G/	/hime/ (هیزم)	/Gime/ (قیمه)
-----------	---------------	---------------

۳-۱-۱-۴- همخوان‌های مرکب (انسایشی)

این همخوان‌ها با شروع انسدادی و رهش سایشی تولید می‌شوند. یعنی پس از ایجاد گرفتگی، مانع به یکباره رها نشده بلکه به صورت تدریجی و همراه با سایش است (ثمره، ۱۳۷۸: ۶۴).

/tʃ/: لثوی - کامی، انسایشی، بیواک

- چیکيله [tʃikile] (جوجه)
- کچه [kæʃe] (چانه)
- رچ [reʃ] (مارمولک)

جفت‌های کمینه:

/tʃ/ ~ /d/	/tʃu/ (چوب)	/du/ (دوغ)
------------	-------------	------------

/dʒ/ : لثوی - کامی، سایشی، واکنار

- جیکیدن [dʒikidæn] (پریدن)
- پنجلک [pendʒelæk] (نیشگون)
- خنج [xendʒ] (ناخن کشیدن، چنگ زدن)

جفت‌های کمینه:

/dʒ/ ~ /d/	/pendʒelæk/ (نیشگون)	/pendelæk/ (بشکن زدن)
------------	----------------------	-----------------------

۴-۱-۱-۴- همخوان غلتان

اندام‌های تولیدکننده این همخوان نوک زبان و لثه بالا است. هوا در خلال زنش‌های پی در پی نوک زبان که در تماس با لثه قرار می‌گیرد و به شکل ارتعاش یا لرزش نمایان می‌شود به خارج عبور می‌کند.

/r/ : لثوی، لرزشی، واکنار

- رو گت [ru got] (پر رو)
- پیرچه [pirtʃe] (قسمتی از بافت درخت نخل / لیف نخل)
- جدر [jædr] (درد)

جفت‌های کمینه:

/r/ ~ /l/	/rɒs/ (راست)	/ɒs/ (موی لخت و صاف)
-----------	--------------	----------------------

۴-۱-۱-۵- همخوان روان

در تولید این همخوان، حتی با وجود احتمالی بست در دهان، جریان هوا بدون برخورد به هیچ مانعی و ایجاد هرگونه سایش در مسیر خود از یک یا دو طرف زبان خارج می‌شود.

/l/ : لثوی، کناری، روان، واکنار

- لتر [lotor] (بی احترامی)
- مله [mælle] (آب تنی)
- دول [du:l] (دلو)

جفت‌های کمینه:

/l/ ~ /r/	/li:s/ (دیس)	/ri:s/ (پوسیده)
-----------	--------------	-----------------

۴-۱-۱-۶- همخوان‌های خیشومی

در هنگام تولید این همخوان‌ها مسیر عبور هوا با پایین آمدن زبان کوچک مسدود اما بدون برخورد با مانعی از راه بینی خارج می‌شود. زبان در تولید دو همخوان خیشومی نقش فعالی بر عهده ندارد و هر دو همخوان خیشومی موجود واکداراند.

/m/: دو لبی، خیشومی، واکدار

- مدنی [mædæni] (لیمو شیرین)
- دمباز [dombDz] (خرمای نرسیده)
- جیریم [dʒirim] (شکاف)

جفت‌های کمینه:

/m/ ~ /k/	/mælle/ (شنا)	/kælle/ (سر)
-----------	---------------	--------------

/n/: لثوی، خیشومی، واکدار

- نم‌تک [næmtok] (قطره)
- گنا [genD] (دیوانه)
- جوغن [jowʎæn] (هاون)

جفت‌های کمینه:

/n/ ~ /d/	/genD/ (دیوانه)	/gedD/ (گدا)
-----------	-----------------	--------------

۴-۱-۲- نیم مصوت:

در فراگویی این آوا هیچ گرفتگی یا تنگی در راه عبور هوا در دهان وجود ندارد و بدین جهت بسیار به تولید واکه‌ها شباهت دارند.

/j/: نیم مصوت، کامی، واکدار

- یسیر [jæsir] (بی مادر)
- بیو [bijɔ] (بیا)
- دمپی [dæmpej] (دمپایی)

جفت‌های کمینه:

/j/ ~ /tʃ/	/jæk/ (یک)	/tʃæk/ (سیلی)
------------	------------	---------------

۴-۱-۳- واکه‌ها

در جریان تولید واکه‌ها جریان هوا با هیچ‌گونه گرفتگی یا تنگی مجرا برخورد نمی‌کند و هیچ سایشی نیز مشاهده نمی‌شود. نرمکام با بالا آمدن، راه خروج هوا از بینی را مسدود و هوا تنها از دهان خارج می‌شود. واکه‌ها همگی واکداراند پس واکداری در واکه‌ها ممیز معنا نیست.

۴-۱-۳-۱- واکه‌های ساده

- واکه‌های پیشین

/i/: پیشین، بسته، بلند، گسترده

- تی اوی [tjowi] (آبیاری)
- چقید [tʃæqi] (قایید)
- چیل [tʃil] (دهان)

جفت‌های کمینه:

/i/ ~ /e/	/tʃil/ (دهان)	/tʃel/ (زیر بغل)
-----------	---------------	------------------

/e/: پیشین، نیم باز، کوتاه، گسترده

- خر [xer] (گلو)
- گنا [genɒ] (دیوانه)
- پسکی [peski] (مقدار کمی)

جفت‌های کمینه:

/e/ ~ /o/	/per/ (چرخیدن)	/por/ (پر)
-----------	----------------	------------

/æ/: پیشین، باز، کوتاه، گسترده

- مدنی [mædæni] (لیمو شیرین)
- جلدی [jældi] (سریع)
- پنگ [pæng] (خوشه خرما)

جفت‌های کمینه:

/æ/ ~ /o/	/sær/ (سر)	/sor/ (لغزنده)
-----------	------------	----------------

- واکه‌های پسین

/u/: پسین، بسته، بلند، گرد

- گروختی [guruxti] (فرار کردی)

- کول [kul] (شانه)
- چاچول [čDɬʃul] (زبان باز)

جفت‌های کمینه:

/u/ ~ /a/	/kul/ (شانه)	/kɔl/ (نارس)
-----------	--------------	--------------

/o/ : پسین، نیم باز، کوتاه، گرد

- دمباز [dombaz] (خرمای نرسیده)
- بگر [bægor] (سر حال)
- زر [zor] (چرخیدن)

جفت‌های کمینه:

/o/ ~ /ow/	/xo/ (خوب)	/xow/ (خواب)
------------	------------	--------------

/a/ : پسین، باز، بلند، گرد

- قاره [GDre] (فریاد)
- دارونه [dDrune] (طنابی از برگ نخل)
- زازو [zDzu] (جوجه تیغی)

جفت‌های کمینه:

/ɔ/ ~ /æ/	/bDre/ (صدای مداوم و آزار دهنده)	/bære/ (بره)
-----------	----------------------------------	--------------

۴-۳-۲-۱- واژه‌های مرکب

کیفیت آوایی واژه مرکب در هنگام تولید دستخوش دگرگونی می‌شود به طوری که این تغییر کیفیت آوایی را به سادگی می‌توان درک کرد... در تولید واژه مرکب اندام‌های گفتار به صورت پیوسته از حالتی به حالت دیگر در می‌آیند (نمره، ۱۳۷۸: ۶۴).

/ow/ : تولید این واژه مرکب با جایگاه تولید /o/ آغاز شده، پس از آن زبان به سوی نرم کام بالا می‌رود و حدوداً به جایگاه تولید /u/ می‌رسد (نمره، ۱۳۷۸: ۸۳).

- خو [xow] (خواب) در مقابل خو [xo] (خوب)
- گو [gow] (گاو) در مقابل گو [go] (گفت)
- شو [ʃow] (شب) در مقابل شو [ʃo] (شد)

جفت‌های کمینه:

/ow/ ~ /o/	/xow/ (خواب)	/xo/ (خوب)
------------	--------------	------------

در جدول ۱- همخوان‌های گویش جهرمی ارائه شده است. در این جدول ستون‌های عمودی مربوط به جایگاه تولید و ردیف‌های افقی مربوط به شیوه تولید است.

جایگاه تولید شیوه تولید		دو لبی	لبی- دندانی	دندانی - لثوی	لثوی	لثوی - کامی	کامی	نرم‌کامی	پس نرم‌کامی	چاکنایی
انسدادی	بی واک	p		t				k	G	ʃ
	واکدار	b		d				g		
سایشی	بی واک		f	s		ʃ			x	h
	واکدار		v	z						
انسایشی	بی واک					tʃ				
	واکدار					dʒ				
خیشومی		m		n						
روان					l					
غلطان					r					
نیمه مصوت							j			

جدول ۱- همخوان‌های گویش جهرمی

جدول شماره ۲ واکه‌های ساده و جدول ۳ نیز واکه‌های مرکب گویش جهرمی را نشان می‌دهند.

	پیشین		پسین	
	گسترده	گرد	گسترده	گرد
افراشته	i, Ī			u
میانی	e			o
افتاده	æ			ɒ

جدول ۲- واکه‌های ساده گویش جهرمی

	پیشین		پسین	
	گسترده	گرد	گسترده	گرد
بالایی				u ↑
میانی				o ↑

جدول ۳: واکه‌های مرکب گویش جهرمی

۴-۲- فرآیندهای واجی

واج‌ها در بافت‌های آوایی مختلف بر هم تاثیر می‌گذارند و در نتیجه به گونه‌ای تغییر می‌پذیرند. گاهی ممکن است مشخصه‌های واجی به صداهای مجاور گسترش یابند. در همه زبان‌ها و گویش‌ها تغییر واج-ها در بافت‌های آوایی گوناگون مشاهده می‌شود.

۴-۲-۱- همگون‌سازی

گاهی آوایی در اثر همنشینی با آوای دیگری قسمتی از مختصات آوایی خود را از دست داده و برخی ویژگی‌های آوایی صدای مجاور را به خود می‌گیرد و تا میزانی با آن صدا شبیه یا یکسان می‌شود (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۴: ۱۳۱).

۴-۲-۱-۱- همگونی مخرج

«شنبه» [ʃæmbe] → [ʃænbe]

«پنبه» [pæmbe] → [pænbe]

۴-۲-۱-۲- همگونی واکه

«هسته» [hæsse] → [hæste]

«دسته» [dæsse] → [dæste]

«قبرستان» [qæbressŭ] → [Gæbrestan]

۴-۲-۱-۳- همگونی شیوه تولید

همه مثال‌های فوق فرآیند همگون‌سازی مجاوراند. همگون‌سازی ممکن است با فاصله نیز باشد:

«دراز» [dærDz] → [derDz]

«بدهی» [bedi] → [bedæhi]

«بگی» [bigi] → [begi]

به اینگونه همگون‌شدگی هماهنگی واکه‌ای نیز گفته می‌شود.

۴-۲-۱-۴- همگونی دو سویه

در این نوع همگونی، دو صدای مجاور به طور متقابل بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند.

«پنج شش» [pæjʃi] → [pænjʃ]

«مسجد» [mæ:tʃe] → [mæsdʒed]

۴-۲-۲- ناهمگون‌سازی

در این فرایند یک صدا که در یک یا چند مختصه آوایی با صدای هم‌نشین خود مشترک است، آن مشخصه‌ها را از دست داده و مشخصات دیگری به دست می‌آورد (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۴: ۱۳۶).

«تخس» [toxtʃ] → [toxs]

«عطسه» [ʔækse] → [ʔæte]

«لگد» [læʔæ] → [lægæd]

/sæbæd/ → [sapæ] «سبد»

۴-۲-۳- قلب

گاهی ممکن است دو همخوان در ترکیب بر اثر همنشینی جای خود را با هم عوض کنند. در این صورت همخوان اول در جایگاه همخوان دوم قرار می‌گیرد و همخوان دوم نیز به جای همخوان نخست می‌نشیند (حق شناس، ۱۳۷۸: ۱۵۶).

/hol/ → [loh] «هل»

/dDjere/ → [dDrije] «دایره»

/Geljun/ → [Gejlŭ] «قلیون»

/dælv/ → [du:l] «دلو»

۴-۲-۴ حذف

با تحلیل داده‌های موجود، در اکثر مواقع (جز هنگامی که حذف صدا باعث تمایز معنایی می‌شود) صدای جایگاه پایانی حذف می‌شود.

/deGGæt/ → [deGæ] «دقت»

/Ddæm/ → [adā] «آدم»

علاوه بر این، در سایر جایگاه‌ها نیز فرآیند حذف مشاهده می‌شود:

/ælhæmdolellDh/ → [ælhædollD] «الحمدالله»

/indʒur/ → [ĩdʒur] «اینجور»

/ʃDlude/ → [ʃDlde] «شالوده»

/inGædr/ → [eGæ] «اینقدر»

/ʃahin/ → [ʃeĩ] «شاهین»

۴-۲-۵ اضافه

در این فرآیند، با توجه به شرایط موجود، یک واحد زنجیری به زنجیره گفتار اضافه می‌شود.

/pændʒʃænbe/ → [pæ:ʃæmbed] «پنجشنبه»

/pæriʃab/ → [pæriʃow] «پریشب»

/pæʃe/ → [pæxtʃe] «پشه»

۴-۲-۶ ابدال

در فرآیند ابدال یک واحد زنجیری بی‌آنکه بتوان در چارچوب فرآیندهای موجود برای آن توجیه یافت به واحد دیگری تبدیل می‌شود (حق شناس ۱۳۷۸: ۱۶۰).

/mDle/ → [mDre] «مال»

/ʔæslæn/ → [ʔæssæ] «اصلا»

/pærtopællD/ → [pærtopærD] «پرت و پلا (چزندیات)»

۴-۲-۷- کشش جبرانی

در فرآیند مذبور، با حذف /h/ یا /ʔ/ مدت زمان تولید واکه پیش از آنها طولانی‌تر شده و صدا تا حدودی کشیده می‌شود.

/moʔmen/ → [mo:m̃] «مؤمن»

/dʒæhrom/ → [dʒæ:rō] «چهرم»

/tʃaharom/ → [tʃɑ:rō] «چهارم»

۴-۲-۸- خیشومی شدگی

با حذف همخوان خیشومی در جایگاه پایانی، در صورت وجود واکه قبل از آن، واکه حتماً خیشومی شده می‌شود.

/indʒur/ → [ĩdʒur] «اینجور»

/pDjin/ → [poĩ] «پایین»

باید به این نکته توجه کرد که گاهی وجود یا عدم وجود واکه خیشومی باعث ایجاد تمایز معنایی می‌شود.

/nissi/ در مقابل «نیستین (نیستید)» [nissĩ]

/nefessi/ در مقابل «نشستین (نشستید)» [nefæssĩ]

/umædi/ در مقابل «آمدید و آمدیم» [umædĩ]

۴-۳- ساخت هجا

هجا کوچک‌ترین زنجیره آوایی یکپارچه است که به لحاظ آوایی از راه برش‌های تلفظی ممکن می‌توان در آن وقفه ایجاد کرد. ساخت هجایی واژه در هر زبانی مخصوص به آن زبان است و ساخت هجایی زبان‌های مختلف با یکدیگر متفاوت است. در گویش چهرمی نیز مانند زبان فارسی سه نوع هجا مشاهده می‌شود.

• هجای کوتاه (cv) مانند: ما [mD] ، او [ʔu]

• هجای متوسط (cvc) مانند: چیل [tʃil] ، کول [kul]

• هجای بلند (cvcc) مانند: خنج [xendʒ] ، جدر [dʒædr]

البته با تحلیل داده‌ها این نتیجه حاصل شد که گویش چهرمی معمولاً با حذف یک یا چند صدا به هجای cvc یا کوچک‌تر گرایش دارد.

dorost → doros	hærf → hærf	goft → go
cvcc → cvcvc	cvcc → cvc	cvcc → cv

۵- نتیجه‌گیری

گویش یک منطقه نمایانگر قدمت تاریخی و فرهنگ مردم آن مکان است. به دلیل زوال گویش‌های محلی که وارث فرهنگ اصیل جای جای این مرز و بوم‌اند، گروهی از گویش‌شناسان برآنند تا با گردآوری اسناد باقی مانده، این گویش‌ها را احیا و به نسل‌های آینده و علاقمندان عرضه کنند.

با بررسی داده‌های موجود نتایج زیر حاصل شد:

- گویش جهرمی دارای ۲۳ همخوان، ۷ واکه ساده و ۱ واکه مرکب است. البته باید توجه داشت که دو واج /q/ و /x/ به لحاظ محل تولید کمی پیشین‌تر از معادل‌های خود در فارسی معیاراند. واج /z/ نیز بسیار کم کاربرد است و در واژه‌های بومی گویش یافت نمی‌شود.
- تقریباً تمام فرآیندهای آوایی موجود در فارسی رسمی مانند همگون‌سازی، ناهمگون‌سازی، قلب، حذف، اضافه، ابدال، کشش جبرانی و خیشومی شدگی در گویش جهرمی نیز دیده می‌شود.
- ساختمان هجایی گویش جهرمی همانند فارسی معیار شامل هجای کوتاه، هجای متوسط و هجای بلند است. بنابر این، الگوی هجایی در گویش جهرمی به صورت cv(c)c است.
- از پژوهش کنونی و مقایسه آن با پژوهش‌های موجود در گویش‌های همسایه می‌توان به شباهت تمامی این گویش‌ها با یکدیگر و همچنین شباهت همه آنها با فارسی معیار پی‌برد.

منابع

- باقری، سیاوش (۱۳۷۷). فرهنگ عامه و گویش جهرم، پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه شیراز
- ثمره، یدالله (۱۳۷۸). آواشناسی زبان فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حقایق، حسین (۱۳۷۵). کتاب جهرم، بی‌جا: دیبا.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۷۸). آواشناسی، تهران: آگاه.
- خاتمی، سید هاشم (۱۳۷۴). بررسی گویش کازرونی به همراه واژه‌نامه ریشه‌شناسانه و تطبیقی آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه شیراز
- زارع، آمنه و عباس رنجبر (۱۳۹۰). «فرآیند همگونی در گویش جهرمی در چارچوب نظریه هندسه‌ای کلمنتس»، گویش‌شناسی، شماره ۷، ۱۹-۳۱.
- ساغر وانیان، سید جلیل (۱۳۶۹). فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی، مشهد: نشر نما.
- صالحی ابر قویی، مریم (۱۳۸۷). بررسی زبان‌شناختی گویش ابر کوهی، پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه شیراز
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۴). ساخت آوایی زبان، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۶). مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، تهران: نیلوفر.
- یار محمدی، لطف‌الله (۱۳۶۴). درآمدی به آواشناسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- Falk, Julia. S. (1973). *Linguistics and Language*. New York: Jungle Publication.
- Fromkin, V., Rodman, R. and N. Hymes, (2003). *An Introduction to Language*. Florida: Holt, Rinehart and Winston, Inc.
- Ladefoged, Peter (2006). *A Course in Phonetics*. Boston: Thomson Wadsworth.

- Roach, Peter (1983). *English Phonetics and Phonology*. Cambridge: University Press.
- Yarmohammadi, Lotfollah (1995). *A Contrastive Phonological Analysis of English and Persian*. Shiraz: Shiraz University Press.
- Yule, George (2006). *The Study of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.

شیراز
